

تحلیل متن شناسانه حقیقه الحقایق اثر عرفانی حاج محمدعلی شیروانی

نسیم پازاج^۱، مسعود فروزنده^{۲*}، ابراهیم ایرج پور^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۹، صص ۱۷۹-۲۰۱

DOI: <http://10.22034/bahreadab.2025.18.7806>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه پژوهش: در این مقاله به معرفی حاج محمدعلی شیروانی و مهمترین اثر او کتاب «حقیقه الحقایق» پرداخته شده و در ضمن آن مباحث مربوط به سبک‌شناسی اثر در دو سطح زبانی و ادبی بیان شده است.

روش پژوهش: این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی به معرفی نویسنده و اثر عرفانی او «حقیقه الحقایق» و ویژگیهای سبکی آن پرداخته است.

یافته‌ها: عرفان و تصوف همواره در فرهنگ ایرانیان جایگاه ویژه‌ای داشته است و پیوند آن با ادب فارسی جدانشدنی است. در عصر قاجار نیز جزو برجسته‌ترین موضوعاتی است که در آثار ادبی به چشم می‌خورد. از جمله این آثار میتوان به کتاب «حقیقه الحقایق» اثر حاج محمد علی شیروانی نویسنده، عارف و سیاح قرن ۱۳ (ه.ق) اشاره کرد. این کتاب، متنی است به نثر مسجع در شکایت حیوانات از ظلم انسانها و دادخواهی آنها در حضور ملک دادبخش که طی آن مباحث اجتماعی و مسائل عمیق عرفانی مطرح شده است. نویسنده برای تبیین آراء عرفانی خود از شاعران و نویسندگان زیادی بویژه جامی و مولوی بهره گرفته است. بازتاب زبان عربی، بویژه بهره‌گیری از زبان قرآن در اثر قابل تأمل است. به‌کارگیری بیش از هزار آیه از قرآن کریم متناسب با موضوعات مطرح شده، نشان‌دهنده تسلط نویسنده بر آیات قرآن کریم است. این کتاب از جمله معدود آثاری است که انسان و حیوان دوشادوش هم عهده‌دار ایفای نقشهای اصلی میشوند و در هیچ قسمت از متن نمیتوان گفت نقش کدام دسته پررنگتر است. در این مقاله سعی بر آن داریم که ضمن معرفی اثر و بیان ویژگیهای برجسته سبکی آن، تأثیری که از متون پیش از خود گرفته است و تأثیری که بر متون پس از خود گذاشته است، در باب زندگینامه نویسنده که در کتب دوره قاجار و پس از آن کمتر به آن پرداخته شده است، سخن بگوییم.

نتیجه‌گیری: حقیقه الحقایق اثری عرفانیست که حاج محمدعلی آن را به شیوه جریانی از نثرنویسی در دوره قاجاریه نثرهای مصنوع و متکلفی که به تقلید از متون گذشته پدید آمده بود به رشته تحریر درآورد. این کتاب چه از جهت موضوع و چه از جهت سبک نگارش تحت تأثیر متون قبل از خود بوده است. و بر متون پس از خود نیز تأثیر گذاشته است. باوجود سیر داستانی موجود در کتاب و حضور حیوانات بعنوان شخصیت‌های اصلی داستان نمیتوان آن را در زمره ادبیات تمثیلی و قابل قرار داد.

تاریخ دریافت: ۱۴ آبان ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۱۷ آذر ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۱۲ دی ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۶ بهمن ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

حاج محمد علی شیروانی، حقیقه الحقایق، عرفان، زبان عربی، رسائل اخوان الصفا

* نویسنده مسئول:

foroozandeh@sku.ac.ir

۳۲۲۳۴۴۰۱ (۹۸ ۲۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the manuscript of Haqiq al-Haqayq al-Shahiya by Haj Mohammad Ali Shirvani

N. Pazaj¹, M. Foruzandeh*¹, E. Irajpour²

1- Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 04 November 2024

Reviewed: 07 December 2024

Revised: 01 January 2024

Accepted: 04 February 2024

KEYWORDS

Haji Muhammad Ali Shirvani,
Haqiqah al-Haqayq, mysticism,
Arabic language, Letters of Akhwan
al-Safa

*Corresponding Author

✉ foruzandeh@sku.ac.ir

☎ (+98 38) 32324401

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: In this article, the introduction of Haj Mohammad Ali Shirvani and her most important work, the book "Haqiqah-ul-Haqayq", are discussed, and the topics related to the stylistics of the work are discussed on both linguistic and literary levels.

METHODOLOGY: This article introduces the author and her mystical work "Haqiqah-ul-Haqayq" and its stylistic features in a descriptive-analytical way.

FINDINGS: Mysticism and Sufism have always had a special place in Iranian culture. Its link with Persian literature is also an inseparable link. So that in all periods, Persian poetry and prose have been the main subject of the works of poets and writers. In the Qajar era, it is one of the most prominent topics that appear in literary works. Among these works, we can refer to the book Haqiqah al-Haqayq by Haj Muhammad Ali Shirvani, a writer, mystic and traveler of the 13th century (A.H.). This book is a text in the prose of Masjee about the complaints of animals against the cruelty of humans and their lawsuits in the presence of Malik Dadbakhsh, during which social issues and deep mystical issues are raised. The author has used many poets and writers, especially Jami and Molavi, to explain her mystical views. The reflection of the Arabic language, especially the use of the language of the Qur'an, in the work is remarkable. The use of more than a thousand verses from the Holy Qur'an in accordance with the issues raised shows the author's mastery of the verses of the Holy Qur'an. This book is one of the few works in which humans and animals play the main roles side by side, and in no part of the text can one say which role is more colorful. In this article, we try to introduce the work and its existing versions and talk about the author's biography, which is less discussed in the books of the Qajar period and after.

CONCLUSION: Haqiqah al-Haqayq is a mystical work that Haj Muhammad Ali wrote in the style of prose writing in the Qajar period, i.e. artificial and mutakalifi proeses that were created in imitation of past texts. This book has been influenced by the previous texts both in terms of the subject and the writing style. And it has influenced the texts after it. Despite the story in the book and the presence of animals as the main characters of the story, it cannot be classified as an allegorical and fable literature.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7806>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 3	 0

مقدمه

نسخ خطی از گنجینه‌های ارزشمند هر ملتی است. در کشور ایران به دلیل داشتن پیشینه فرهنگی و قدمت، نسخه‌های خطی ارزشمندی از شاعران و نویسندگان ایرانی وجود دارد که غور و تعمق در هریک از آنها می‌تواند ناشناخته‌هایی از علم و فرهنگ را روشن سازد.

یکی از دوره‌های تاریخی که نسخه‌های خطی فراوانی به این گنجینه ارزشمند افزود، دوره قاجار است. در دوران پرفرازونشیب حکومت قاجار که صد و سی سال به طول انجامید (۱۱۷۵-۱۳۰۴ ه.ق) با فعالیت نحله‌های تصوف مثل نعمت‌اللهیه و ذهبیه متون عرفانی زیادی به رشته تحریر درآمد و با تصوف و صوفیه برخوردی متفاوتی شد و سیاستهای مختلفی در این زمینه اجرا شد. «با سقوط زندیه و برآمدن قاجار برای مدت کوتاهی، مختصر آرامشی برای صوفیان پدید آمد؛ چرا که در برهه‌ای از حکومت آغا محمدخان قاجار، از فشار بر صوفیان کاسته شد اما با به قدرت رسیدن فتحعلی شاه (۱۲۱۱-۱۲۵۰ ه.ق) اوضاع صوفیان رو به وخامت گذاشته شد.» (اسفندیار، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲) این امر سبب شد که صوفیان آثار خود را با موضوع رد آراء زاهدان و متشرعان و اثبات برتری صوفیان و راه و روش آنها، با زبان اشاره و کنایه بنویسند. از طرفی «اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار را در تصوف مثل شعر و ادب، دوره تجدید عهد با گذشته نامیده‌اند.» (همان، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳) در این دوران طریقه نعمت‌اللهیه تلاش کرد تصوف را در ایران احیا کند.

حاج محمدعلی شیروانی، نویسنده کتاب حقیقه‌الحقایق از پیروان این سلسله، برادر حاج زین‌العابدین شیروانی «مست علیشاه» از اقطاب سلسله نعمت‌اللهیه بود و کتاب نامبرده را در رد صوفی‌نماها و زاهدان البته در پوشش زبان حیوانات به نگارش درآورد. وی در این اثر که با نثری مسجع و مصنوع و متکلفانه نوشته شد، مباحث عرفانی و آداب مربوط به تصوف و صوفیگری را مطرح کرد.

بیان مسئله

با وجود ویژگیهای منحصربه‌فردی که در نثر کتاب «حقیقه‌الحقایق» وجود دارد و طرح مباحث ناب عرفانی به شیوه‌ای جدید (گفتگو بین انسان و حیوان) مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد ضمن معرفی نویسنده، بدین سؤالات پاسخ دهد؛ سبک نگارش این اثر دنباله جریان ساده‌نویسی شکل گرفته در دوره قاجار است یا پیرو سبک مصنوع و متکلفی است که در دوره قاجار به پیروی از آثار گذشته شکل گرفته بود؟ با توجه به پررنگ بودن نقش حیوان در این اثر، میتوان آن را زیرمجموعه «فابل» قرار داد؟ با توجه به سیر داستانی اثر، آیا میتوان آن را در زمره کتب تمثیلی عرفانی چون «لغت موران» و «آواز پر جبرئیل» قرار داد؟ این اثر از چه آثاری تأثیر گرفته و بر چه آثاری تأثیر گذاشته‌است؟ با توجه به یکسان بودن موضوع کتاب «حقیقه‌الحقایق» و مقاله بیست‌ودوم «اخوان‌الصفاء» آیا میتوان اثر شیروانی را ترجمه‌ای آزاد از این مقاله دانست؟ وقار شیرازی در اثر خود «محاكمة انسان و حیوان» که پس از شیروانی به رشته تحریر درآمده تحت تأثیر کدامیک از آثار نامبرده بوده‌است؟ ویژگیهای سبکی منحصربه‌فرد این اثر در حوزه زبانی و ادبی چیست؟

پیشینه:

نسخه خطی کتاب حقیقه‌الحقایق در سال (۱۹۸۱ م) یعنی چهل سال پیش توسط خاور شناس روسی «آقامیرآغاسی اوغلی قلی‌یف» تصحیح شد و به چاپ رسید. در تصحیح این اثر از سه نسخه موجود در کتابخانه‌های بریتانیا، کابل و برلین غربی استفاده شده‌است.

علاوه بر نسخه‌هایی که در تصحیح این اثر توسط «اوغلی‌قلی‌یف» استفاده شده‌است، طبق فهرست نسخ خطی ایران «فنخا» چهارنسخه دیگر از این اثر موجود است:

* **نسخه ۲۵۴۱ دانشگاه تهران:** این نسخه به شماره (۲۵۴۱) در کتابخانه دانشگاه تهران موجود می‌باشد. در تاریخ ۱۲۴۵ (ه.ق) به نگارش درآمده‌است؛ که احتمالاً تاریخی جعلی است چرا که تاریخ شروع کتاب طبق آنچه نویسنده در مقدمه بیان کرده سال ۱۲۵۰ (ه.ق) است. ۲۵۴ برگ دارد و در هر برگ ۱۸ سطر قرار دارد.

این نسخه دارای حاشیه است و حاشیه شامل مواردی است که کاتب حین نوشتن فراموش کرده بنویسد و در متن علامت گذاشته و قسمت جامانده در حاشیه آمده‌است یا مواردی که به اشتباه در متن آمده و کاتب آن واژه یا جمله را خط زده و صحیح آن را در حاشیه نوشته‌است. متن اصلی به رنگ سیاه است و گاه عنوانها یا عبارتهای عربی یا اشعار به رنگ شنگرف آمده اما این مسئله عمومیت ندارد و نظم مشخصی برای انتخاب رنگ شنگرف در اثر دیده نمی‌شود. در آغاز این نسخه ادعایی مطرح شده که نسخه به خط مؤلف است: «نسخه بی نظیر و منحصر به فرد، کتاب البرهان فی شرافت‌الإنسان محمدعلی‌این اسکندر شیروانی، به خط خود مؤلف» (شیروانی، نسخه خطی دانشگاه تهران، ص ۱) اما پس از بررسیهای انجام شده این ادعا رد می‌شود چون حجم نسخه نسبت به نسخه‌های دیگر کمتر است و اکثر مطالبی که به زبان عربی در سایر نسخ وجود دارد در این نسخه نیست، کلمات اشتباه فراوانی در متن وجود دارد که ناشی از اشتباه‌خوانی نسخه توسط کاتب است، حذف‌های بی‌قرینه در متن فراوان دیده می‌شود، اشتباهات وزنی زیادی در اشعار نقل شده وجود دارد و نسخه بدون پایان رها شده‌است.

* **نسخه ۹۰۹ کتابخانه سلطنتی تهران:** برای تصحیح این اثر نسخه کتابخانه سلطنتی باید اساس کار قرارگیرد. مشخصات این اثر طبق فهرست دنا: «خط: نستعلیق خوب، کاتب احمدبن یوسف مشکنی، تاریخ ۱۲۵۱، مجدول، کمنداندازی، یک سرلوح کنگره‌ای مذهب منقش، مهر: ناصر الدین شاه قاجار، مشیر السلطنه، به کاغذ اصفهانی چهره‌ای رنگ، جلد: مقوای روغنی بوم یشمی، ۵۰۹ صفحه، ۱۸ سطر، اندازه ۲۶/۵۱۱۶ سم [۳۳۹،۷]. آغاز: رب شرح لی صدری... لک الحمد یا ذی‌الجود، انجام: آنچه در آن ساعت میسر گردید در مدت پنجاه سال روی نمود و آنچه از آن نمط روی نمود در چهل سال هشیاری میسر نبود ... نعره مستانه خوش می‌آیدم. تا ابد جانا چنین می‌بایدم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الی یوم‌الدین و سلم تسلیماً کثیراً. تاریخ شکرالله بعون حضرت حق طبع افسرده گفت تاریخش» (درایتی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳۳۳)

به نظر میرسد این نسخه از بین سایر نسخ به دلایل زیراصیلتر باشد:

۱. تاریخ کتابت سال ۱۲۵۱ (ه.ق) است که همزمان با تألیف کتاب است که از سال ۱۲۵۰ (ه.ق) شروع و در سال ۱۲۵۲ (ه.ق) به پایان رسیده‌است.

۲. مصراع دوم ماده تاریخ پایان کتاب که در سایر نسخه‌ها آمده (هی بیان، شرافت‌الانسان) را ندارد؛ گویی کتاب هنوز ادامه داشته و چون تاریخ پایان کتابت معلوم نبوده آن را ذکر نکرده‌است.

۳. در پایان از مؤلف کتاب طلب عنایت و نظر میکند «امید که مؤلف این کتاب مستطاب و مصنف نسخه شرافت انتساب از همیت والا و مرتبت خویش این عاجز و درویش را امدادی فرموده از جاده ضلالت به شاهراه هدایت رساند. با کریمان کارها دشوار نیست. سنه ۱۲۵۱» (شیروانی، نسخه خطی کتابخانه کاخ سلطنتی، ص ۵۰۹) این نشان میدهد که مؤلف زنده بوده‌است چون اگر در قید حیات نبود کاتب از جانسین او طلب عنایت و نظر میکرد.

۴. در پایان کتاب نوشته کتاب در تاریخ ۱۲ و بقیه تاریخ را نوشته گویی منتظر بوده کتاب پایان پذیرد و بعد تاریخ دقیق پایان کتابت را بنویسد.

* **نسخه شماره ۱۰۵۹۹، مجلس شورای اسلامی:** این نسخه به شماره (۱۰۵۹۹) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. خط کتاب نستعلیق است، در فهرست فنخا نام کاتب نیامده اما در صفحه اول نسخه قبل از شروع اثر در حاشیه بالا سمت چپ نام کاتب تحت عنوان «مرتضی‌بن‌محمدحسن‌خان ایشیک آغاسی‌باشی» آمده است. این نسخه در تملک «میرزا احمد دیوان‌بیگی» صاحب تذکره «حدیقه‌الشعرا» با عنوان «میرزا احمدبن‌ابوالحسن‌بن‌غلامحسین‌بن‌حاج‌مؤمن‌بن‌میرزا محمدتقی‌بن‌حاجی مؤمن شیرازی» بوده و در در تاریخ ۱۲۷۴ (ه.ق) به کتابت درآمده است. نسخه (۲۰۲) برگ دارد و در هر برگ (۱۸) سطر نوشته شده است.

* **نسخه شماره ۴۰۵۸ کتابخانه ملک:** خط کتاب شکسته نستعلیق است و کاتب آن محمداسماعیل اصفهانی در تاریخ: ۲۰ صفر ۱۲۲۷ (ه.ق) در اصفهان، محله احمدآباد در مسجد ایلچی آن را به نگارش درآورده است. جنس کاغذها فرنگی، رنگ جلد میشی، یشمی است. شامل ۳۵۶ برگ که در هر برگ ۱۷ سطر، نگاشته شده است. در فهرست فنخا تاریخ کتابت (۱۲۲۷ ه.ق) است یعنی حدود سی سال قبل از تألیف کتاب که قطعاً اشتباه است. اما در صفحه قبل از شروع متن کتاب تاریخ ۱۲۷۹ (ه.ق) یعنی حدودا سی سال پس از تألیف کتاب آمده که قابل قبول است.

علاوه بر موارد ذکر شده تحقیق و پژوهشی در زمینه این نویسنده و اثر او صورت نگرفته است.

بحث

حاجی محمدعلی شیروانی

در کتب مربوط به رجال و نویسندگان دوره قاجار، کمتر به حاج محمدعلی پرداخته شده و معمولاً به سبب شهرت برادرش، حاج زین‌العابدین، که از مشایخ سلسله نعمت‌اللهیه بوده و در ضمن معرفی او، به حاج محمدعلی اشاره‌ای کوتاه شده است. چنانچه در کتاب «مکارم الآثار» ضمن معرفی حاج زین‌العابدین نوشته است: «مرحوم حاج زین‌العابدین صاحب عنوان، فرزند ملا اسکندر است که وی مردی عالم بوده و فرزندان داشته، یکی: صاحب عنوان و دیگری حاجی محمدعلی که از معاریف زمان بوده و کتابی به نام شرافت‌الإنسان تألیف نموده، که الحق کتاب خوبی است.» (حبیب آبادی، ۱۳۶۲، ص ۲۶) اما خوشبختانه در مقدمه کتاب حقیقه‌الحقایق نویسنده اطلاعات نسبتاً مفصلی در باب زندگی، سفرها و مشایخ خود میدهد. مطالبی که در ادامه مطرح میشود با برداشت از مقدمه کتاب اوغلی‌قلی‌یف و مواردی که خود نویسنده در این زمینه بیان میکند، نوشته شده است. وی در سال ۱۱۹۷ (ه.ق) در شهر شماخی به دنیا آمد، در سنین کودکی پدرش میرزا اسکندر شروع به آموزش او کرد، او طی مدت کوتاهی ادبیات و الهیات را که از علوم رسمی آن زمان محسوب میشد فراگرفت. در دوران تحصیل زبانهای عربی و فارسی را بخوبی آموخت. بنابر گفته خود او، در سنین جوانی، پس از مرگ پدرش و حمله طایفه وهابی آغاز سفر میگذارد و به مناطق مختلف سفر میکند. از تاریخ وفات او اطلاعاتی در دست نیست.

سفر آفاق

نویسنده در جوانی سفرهای خود را آغاز میکند که نتیجه این سفرها و بهره‌مندی از محضر مشایخ سلسله نعمت‌اللهیه، تألیف کتاب عرفانی «شرافت‌الإنسان» است. وی در مقدمه کتاب به اکثر مکانهایی که به آنها سفر کرده اشاره میکند و در انتهای آن بیان میدارد: «اغلب اسماء بلادی که تحریر کرده دارالملک و دارالحکومه و دارالسلطنه بوده و شهرهای غیر مشهور مسطور نگردید و الاً به طول می‌انجامید.» (اوغلی‌قلی‌یف، ۱۹۸۱، مقدمه حقیقه‌الحقایق، ص ۵۳) پس از بررسی شهرهای نام‌برده به نام بیش از ۴۰ شهر میرسیم که به آنها سفر کرده

و در هر شهر مدتی اقامت کرده و قریب ۳۰ سال از عمر خود را در سفر گذرانده‌است. وی مسافرت‌های خود را از هندوستان شروع میکند و پس از آن به سیروسیاحت در کشورهای چون افغانستان، عربستان و ترکیه می‌پردازد. حاج محمدعلی که از پیروان سرسخت فرقه نعمت‌اللهیه بود، در طول سفر خود با رهبران این سلسله دیدار کرد و از محضر آنها بهره‌های فراوانی برد از جمله: حاجی محمدجعفر همدانی (مجدوبعلی شاه)، حاج زین‌العابدین شیروانی، حاجی محمدخان قراگوزلوو علیرضا شاه دکنی که نویسنده در مقدمه کتاب و ضمن شرح سفرها به نام این بزرگان و دیدار با آنها اشاره میکند.

سفر انفس

در خاتمه کتاب پس از پایان گفتگوی انسان با حیوانات و اثبات برتری انسان بر حیوان، نویسنده بیان میکند: «این حقیر مدتی بسیار و زمانی بی‌شمار بر سیاحت ممالک و بلاد و زیارت اقطاب و اوتاد مشغول بود و چون از سیاحت آب و گل دلتنگ شده به سیاحت نفس و دل متوجه گردید.» (شیروانی، ج ۲، ص ۵۷۸) و در ادامه سفرهای خود را به بلاد اماره، ملهمه، مراقبین و... برای یافتن پیری که او را از رنج و بیماری‌هایی چون غفلت و ظلمت و شرک خفی نجات دهد، بیان میدارد.

حقیقة الحقایق

کتاب «حقیقة الحقایق الشاهیه فی التلویح الی ترجیح المسالک النعمة‌اللهیه» که با نام «شرافت‌الانسان» نیز شناخته میشود، اثر حاج محمدعلی شیروانی عارف و سیاح برجسته قرن ۱۲ (ه. ق) است. معصوم علیشاه درباره اولین نسخه این کتاب نوشت: «حاجی محمدعلی شیروانی کتاب شرافت‌الانسان را به رشته تحریر درآورده کتابیست واقعاً نفیس» (شیروانی، ۱۳۱۹، ص ۱۲۸)

این کتاب اثری است عرفانی از زبان حیوانات و پرندگان که از ظلم و جور انسان به تنگ آمده‌اند و به دنبال پادشاه عادل می‌گردند که شکایت خود را اعلام کنند. سرانجام قرار بر این میشود که شتر به نمایندگی از طرف همه حیوانات به دربار ملک دادبخش که فرای بنی‌نوع آدم است و ورای کوه قاف سلطنت میکند عرض شکایت برد. این کار صورت می‌پذیرد و پادشاه عادل به همراه نزدیکان و مشاوران و وزیر خود تصمیم می‌گیرد از هر اقلیم یک حکیم را حاضر کند و شش نماینده از قبایل حیوانات تا با هم به گفت‌وگو بنشینند. در ادامه کتاب هفت مجلس مناظره به زیبایی به تصویر کشیده میشود که در هر مجلس حکیم انسانی و نماینده حیوانی سعی در اثبات برتری خود دارند تا مجلس ششم اغلب حکمای انسانی شکست می‌خورند و نویسنده در این زمینه انتقادات خود را در باب انسانهای ریاکار و دروغگو بیان میکند.

تا این قسمت به استثنای مقدمه کتاب که کاملاً عرفانی است و در بیان سپاس و ستایش خدا و رسول و ائمه اطهار است با یک اثر اجتماعی روبه‌رو هستیم که مشکلات اجتماعی را بیان میکند و انسان‌نماها را به باد انتقاد می‌گیرد. پزشک و منجم و متکلم و عارف و زاهد هیچ‌یک از قلم تند نویسنده در امان نمی‌مانند؛ مثلاً در رد طبیبان و منجمان مینویسد: «اصحاب طبابت و نجوم که دافع اسقام و رجومند، هریک خود را بقراط زمان و سقراط جهان دانند. در لاف از تشخیص نبض مور و به گزاف از قاروره طيور دم زنند. دعوای علاج دوار افلاک و رعشه آفتاب و تشنج خاک و استرعاء آب نمایند. اما در حقیقت، حبوب را از ربوب و مفرعات را از مفرحات و جوارش را از جرایش و لعوق را از نشوق. فرق نمایند» (شیروانی، ج ۲، ص ۳۴).

پس از پایان مجلس ششم ملک دادبخش با نمایندگان انسانی به مشاجره برمیخیزد که اگر توانایی پاسخگویی به شبهات حیوانات را ندارید برتری آنها را بپذیرید. سرانجام حکیم حجاز با هما به گفتگو مینشیند و با دلایل محکم برتری انسان را بر حیوان به اثبات میرساند. از این قسمت اثر تا پایان با یک متن کاملاً عرفانی روبه‌رو هستیم که حدوداً نیمی از کتاب حقیقه‌الحقایق را تشکیل میدهد. حکیم حجاز وجود انسان را آیینۀ تمام‌نمای صفات الهی میداند و در ضمن اثبات این موضوع مباحث مهم عرفانی چون لزوم وجود پیر برای رسیدن به مقصد، بیان تفاوت‌های شراب روحانی با شراب انگوری، حقیقت محمدیه و بروز و ظهور آن در وجود انسان کامل و ... را مطرح میکند. طبق اظهارات نویسنده، وی تحریر کتاب را در جمادی الاخر سال ۱۲۵۰ (ه. ق) در شهر اردبیل شروع کرده و با استناد به ماده تاریخی که در پایان کتاب آمده در سال ۱۲۵۲ (ه. ق) به پایان برده‌است. از جمله آثار دیگر نویسنده میتوان به کتاب «طب کیمیونی» اشاره کرد که ترجمۀ فارسی کتاب «کیمیاء‌الشفاء» است که جد سید محمد خراسانی، پزشک دربار عثمانی به زبان ترکی نگاشته بود.

تقسیم بندی اثر

به‌طور کلی می‌توان این اثر را به سه قسمت تقسیم کرد:

مقدمه (دیباچه)

با قصیده‌ای عربی منسوب به امیرالمؤمنین شروع میشود. نویسنده پس از حمد و ثنای خداوند و ستایش پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) خطبۀ معروف به «البیان» را در متن کتاب آورده‌است؛ خطبه‌ای که امیرمؤمنان در آن به وصف و ستایش خود پرداخته‌است.

سپس شرح سفرهای سی ساله خود را به ممالک مختلف بیان میدارد و بعد از حمد و ثنای شاه زمان، سبب تصنیف کتاب را این‌گونه بیان میکند: «چون این فقیر سراپا تقصیر چنان که سابقاً به قید تحریر و تسطیر رسید عمر گرامی را در سیاحت بلاد و طلب اقطاب و اوتاد به سر برد و طالب مال و منال و اهل و اولاد نگردید. جاه جلال را دام دل دید نه کام دل، ازدواج و احفاد را بود بیحاصل دانست نه لذت کامل، ... لهذا به خاطر فاطر چنان رسید که کتابی در شرافت انسان بر کل ما فی‌الکون والامکان کاینما ماکان تألیف نموده، تیمناً و تبرکاً به نام نامی و گوهر گرامی پادشاه زمان و دین‌پناه جهان - خَلدَ اللهُ مَلکَه - اختتام و اتمام نماید.» (همان، ج ۱، ص ۶۱)

متن اصلی کتاب :

نویسنده این قسمت کتاب را از سلطنت کیومرث شروع میکند به گونه‌ای که خواننده گمان میکند با کتابی در تاریخ آدم مواجه است اما پس از بیان شرح کشته شدن سیامک به موضوع اصلی کتاب میپردازد و مجلس مشورت کردن حیوانات را جهت یافتن پادشاه عادل برای دادخواهی و سپس مجالس هفت‌گانه مناظره میان انسان و حیوان را به تصویر میکشد. در متن اصلی کتاب هر قسمت با ذکر ساقی نامه‌ای از شاعران فارسی زبان شروع میشود که معمولاً ابیات این ساقی نامه‌ها به بیش از ده بیت میرسد.

نویسنده برای هر بخش از کتاب، نامی انتخاب میکند مثل: «در تفرس نمودن فرس در امر رسالت و اصالت این حالت به گردن شتر»، «رسیدن شتر به طریق رسالت از طرف قبایل عجایم هایم» و...

خاتمه

این بخش به شرح سفر روحانی نویسنده برای یافتن پیر و مرشد اختصاص داده شده‌است. و کتاب با ماده تاریخی که به سال نگارش کتاب اشاره میکند به پایان میرسد.

طبع افسرده گفت تاریخش هی بیان شرافه انسان
(همان، ج ۲، ص ۶۰۳)

فابل و حقیقه الحقایق

فابل در ادبیات فارسی سابقه طولانی دارد و آثار زیادی در این طبقه جای میگیرند چه آثاری که به طور کامل در این گروه جای دارند مثل کتاب «مرزبان نامه» و «کلیله و دمنه» و چه آثاری که قسمتی از آنها در دسته‌بندی فابل قرار میگیرد مثل «مثنوی معنوی»

کتاب حقیقه الحقایق نیز اثری است که حیوانات به عنوان شخصیت‌های اصلی در آن ایفای نقش میکنند. حال این سؤال مطرح میشود که آیا میتوان این اثر را در دسته بندی فابل قرار داد؟ با توجه به تعاریف مطرح شده از این نوع خاص ادبی مثل تعریفی که رضایی در کتاب «واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی» ارائه میدهد: «فابل (Fable) به معنی قصه و حکایت است. منشأ آن کلمه لاتین (Fabula) است. فابل در اصل نوعی تمثیل است. در ادبیات جهانی، فابل به آن دسته از قصه‌ها و افسانه‌های کوتاه منثور یا منظوم گفته میشود که از زبان حیوانات بیان شده باشد. این روایات تخیلی هستند و به بیان مطالب اخلاقی میپردازند. در واقع شخصیت‌های این قصه حیواناتی با سرشت انسانیند.» (رضایی، ۱۳۸۲، صص ۱۱۲-۱۱۳)، این اثر را نمیتوان در طبقه بندی فابل قرار داد؛ چرا که اولاً شامل حکایت‌های کوتاه آموزنده نیست و داستانی طولانی از گفتگوی انسان و حیوان است. دوم آن که حیوانات در این کتاب نماد انسانها با ویژگیهای خاص نیستند بلکه هر کدام نقش خود را ایفا میکنند، بدون آنکه نماینده گروه خاصی از انسانها باشند. در واقع نویسنده کتاب، خود را پشت نقاب حیوانات پنهان میکند و انتقادات تندوتیز خود را در مورد گروه‌های مختلف انسانی با حرف‌ها و پیشه‌ها و منشهای گوناگون از زبان حیوانات بیان میکند و انسانهای واقعی را از انسان‌نماها متمایز میکند.

حقیقه الحقایق و تمثیل

با توجه به سیر داستانی کتاب «حقیقه الحقایق» و حیواناتی که بازیگران این داستان هستند این سوال مطرح میشود که آیا میتوان این اثر را جزو ادبیات تمثیلی عرفانی در نظر گرفت؟ ادبیات تمثیلی یکی از انواع ادبی، شامل آثاری است که در آنها از رمز و نماد زیاد استفاده میشود. آثاری چون «مرزبان‌نامه»، «کلیله و دمنه»، «منطق الطیر» و... با توجه به تعاریفی که از تمثیل و ادبیات تمثیلی در کتب مختلف ارائه شده است، در این نوع ادبی شخصیت‌های اصلی داستانها در پس شخصیت‌های نمادین پنهان میشوند. به بیان دیگر شخصیت‌های داستانهای تمثیلی قابل تأویل هستند. این شخصیت‌های نمادین گاه به شکل حیوانات ظهور میکنند مثل هدهد در داستان منطق الطیر که نماد هادی و مرشد است و گاه به صورت انسان مثل شاه در داستان شاه و کنیزک که نماد روح است. فقط با توجه به تعریفی که رزمجو در کتاب «انواع ادبی» ارائه داده است: «هرگاه حکایتی از زبان حیوانات، نباتات، اشجار و مانند آن اخذ شود که وقوع آن در خارج محال باشد آن را تمثیل یا مثل گویند» (رزمجو، ۱۳۷۴، ص ۶۸) میتوان «حقیقه الحقایق» را در زمره ادبیات تمثیلی قرار دهیم. که این تعریف، تعریفی جامع از تمثیل را ارائه نمیدهد. چرا که به جنبه رمزی تمثیل و ادبیات تمثیلی نپرداخته است. در ادبیات عرفانی نیز نویسنده یا شاعر مباحث دشوار عرفانی را در قالب تمثیل‌های شیرین و ساده بیان میکند تا فهم مطلب را برای مخاطبان سهل و آسان کند. آثاری چون «مثنوی معنوی»، «آواز پر جبرئیل»، «لغت موران» و... با آنکه در کتاب عرفانی «حقیقه الحقایق» حیوانات بسیاری ایفای نقش میکنند و مباحث عمیق عرفانی از زبان

آنها بیان میشود، نمیتوان آن را در دسته‌بندی ادبیات تمثیلی عرفانی قرار دارد چراکه حیوانات در این اثر قابل تأویل به شخصیت‌های انسانی نیستند و استفاده از رمز و نماد در آن جایگاهی ندارد و شاید بتوان گفت با نوع جدیدی از ادبیات عرفانی روبه‌رو هستیم که شخصیت‌های حیوانی دوشادوش انسان حرکت میکنند و تمام و کمال نماینده گروه خود هستند و یکی از دلایل دشواری این اثر استفاده نکردن از زبان تمثیلی است. اثری که در بسیاری از موارد به کتابهای درسی عرفان شباهت پیدا میکند که شیروانی مباحث دسته‌بندی شده عرفان نظری را در آن مطرح میکند.

زبان پرندگان

از میان حیواناتی که در این اثر حضور دارند، پرندگان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. یکی از کهنترین متونی که در آن به مسئله زبان مرغان و کشف رمز و رازهای ایشان پرداخته‌است، کتاب «الفصول» عبدالوهاب بن محمد است که «از علمای کرامی خراسان در نیمه قرن چهارم و شاید سالهایی هم از آغاز قرن پنجم بوده‌است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، مقدمه منطق الطیر، ص ۱۰۳) و پس از آن آثار فراوانی چون قصیده منطق الطیر سنایی، قصیده منطق الطیر خاقانی، کتاب منطق الطیر شیخ فریدالدین عطار و ... در این زمینه پدید آمدند. در بسیاری از این آثار سفر پرندگان برای رسیدن به حقیقت به چشم میخورد مثلاً در قصیده منطق الطیر خاقانی همه پرندگان به سوی سیمرغ برای یافتن پاسخ سؤال خود سفر میکنند:

جمله بدین داوری بر در عنقا شدند کوست خلیفه طیور داور مالک رقاب
(خاقانی شیروانی، قصیده منطق الطیر، بیت ۳۵)

همچنین در کتاب منطق الطیر عطار همه پرندگان به سوی سیمرغ میروند برای یافتن هادی و راهنما:

هدهد هادی چو آمد پهلوان تاج بر فرقی نهادند آن زمان
صد هزاران مرغ در راه آمدند سایه وان ماهی و ماه آمدند
(عطار نیشابوری، بیت ۱۶۱۹-۱۶۲۰)

همچنین در کتاب «رساله الطیر» ابن سینا، سفر مرغان به سوی شهریار بزرگ «ملک اعظم» برای گشودن بندی که بر پایشان بسته شده به تصویر کشیده‌میشود.

در کتاب حقیقه‌الحقایق نیز سفر مرغان به سوی هادی و رهنما و راهگشا دیده میشود آنجا که همگی پرندگان به سوی غراب در کوه دماوند میروند «طایفه حیوانات به موجب اشارت پربشارت شترمرغ در آنها که پای قدرت و یارای همت بود به کوه دماوند عزیمت کردند» (شیروانی، ج ۱، ص ۱۰۸)

در اکثر این سفرها هدایتگری در نقش پیر و مرشد حضور دارد تا گروه پرندگان را به سمت سر منزل حقیقی راهنمایی و هدایت کند.

قرعه افکندند بس لایق فتاد قرعه شان بر ههد عاشق فتاد
جمله او را رهبر خود ساختند گر همی فرمود سر میبختند
(عطار نیشابوری، بیت ۱۶۱۵-۱۶۱۶)

در سفر پرندگان به سوی غراب نیز شترمرغ هادی و رهبر آنهاست: «آنچه حیوانات آنجا حاضر بودند، جمله عرض کردند که پیر کامل و ای شیخ مکمل آنچه رأی صحیح و حکم صریح است بیان فرمایند و جواهر پند و لالی نصیحت را از ما دریغ نمایند شترمرغ گفت» (شیروانی، ج ۱، ص ۱۰۷)

بینامتنیت

هیچ اثر ادبی در خلاء شکل نمی‌گیرد و آثار ادبی وامدار آثار پیش از خود هستند. «در طول تاریخ همواره متن‌ها در یک ارتباط شبکه‌ای با یکدیگر خلق میشوند و همیشه متن‌های نوین بر پایه متن‌های پیشین شکل می‌گیرند» (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ص ۱۲) حاجی محمدعلی شیروانی نیز در کتاب *حقیقه‌الحقایق* در زمینه‌های مختلف چون بلاغت، موضوع، سبک و... تحت تأثیر آثار پیش از خود بوده‌است.

تأثیرپذیری از مرزبان‌نامه در سبک نگارش

کتاب «حقیقه‌الحقایق» در زمان پادشاهی قاجار به رشته تحریر درآمد. دوره‌ای که در سبک‌شناسی، دوره «رستاخیز یا بازگشت ادبی» نام گرفته‌است. در این دوران کتابهایی که به دست افغانه از کتابخانه اصفهان به تاراج رفته بود و کتبی که در زمان صفویان به سبب نهضت شکل گرفته در هندوستان به دهلی رفته بود و در زمان نادرشاه به ایران برگشته بود، در دست مردم قرار گرفت و ارتباط مردم با متون گذشته برقرار شد. (نک، بهار، ۱۳۲۹، ج ۳، ص ۳۱۷) البته نثر در این دوره دو شیوه مجزا در پیش گرفت. شیوه اول سبک و سیاق نویسندگانی چون قائم مقام فراهانی بود که ساده‌نویسی در نثر را رواج دادند و هدف اصلی در نثر یعنی پیام‌رسانی را دنبال کردند و شیوه دوم راه و روش نویسندگانی بود که به سبک و سیاق آثار پیشین در پی آرایش نثر بودند. نثرهایی که به شیوه نثرهای مصنوع و متکلف دوره‌های قبل نوشته شد. اثر حاج محمدعلی نمونه شیوه دوم یعنی بازگشت به نثرهای دشوار دوره‌های قبل بود.

اثبات این ادعا که شیروانی در نگارش کتاب به نثر «مرزبان‌نامه» بعنوان کتابی از زبان حیوانات نظر داشته نیازمند پژوهشی جداگانه است. اما در یک بررسی اجمالی به اشتراکاتی در نثر این دو کتاب میرسیم. مهمترین ویژگی سبکی حقیقه‌الحقایق کاربرد فراوان عبارات عربی بویژه آیات قرآن و احادیث نبوی است، که برخلاف نثرهای فنی که در زمان نویسنده یا قبل از آن نوشته شده، جدای از متن، بصورت نقل قول و صرفاً برای آرایش کلام نیست؛ بلکه از نظر لفظ و معنی پیوستگی محکمی با متن دارد. شیوه‌ای که در مرزبان‌نامه نیز بوفور دیده می‌شود. «با توجه به اختلاف دو زبان فارسی و عربی، استعمال عبارات عربی بعنوان بخشی از متن فارسی نیازمند مهارت خاصی است که در میان نویسندگان نثر فنی، وراوینی به خوبی از عهده این مهم برمی‌آید. او در تلفیق جملات و عبارات عربی با نثر فارسی، به حسن ترکیب و ترصیف کلام توجه دارد؛ به طوری که در کلام او این عبارات عربی از جنبه‌های مختلف لفظی و معنوی با نثر فارسی پیوستگی دارند» (سالمیان، ۱۳۹۱، ص ۳۲) مثلاً در داستان «رهمه‌سالار با شبان» در باب ششم «مرزبان‌نامه» به این عبارت میرسیم: «اما از بیماری آن به شود که دارو از داروخانه و اِذَا مَرَضَتْ فَهَوَّ يَشْفِين يَابِد» (وراوینی، ص ۳۶۹) در این جمله آیه ۸۰ سوره شعراء به صورت مضاف‌الیه پس از واژه داروخانه قرار گرفته‌است. ویژگی که در نثر حقیقه‌الحقایق بوفور دیده می‌شود: «و از کارخانه لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ مانند آفتاب عالم‌تاب و آسمان شرف‌نصاب چهره‌اش را منور ساخته» (شیروانی، ج ۱، ص ۲)

کاربرد فراوان واژه‌های کهن از دیگر مواردی است که نثر حقیقه‌الحقایق را به نثر «مرزبان‌نامه» نزدیک میکند. البته کاربرد واژه‌های کهن در مرزبان‌نامه که کتابی متعلق به قرن هفتم است امری بدیهی است و روال طبیعی نثر را با مشکل مواجه نمیکند: «همت بر افتراع این بکرآمده غیب گماشتم، بر هر مایه‌دار معنی و پیرایه‌بند هنر که رسیدم، او را بر اتمام آن مرغب و محرض یافتم تا از معرض لائمه‌احمیت فَمَا أَشَوَيْتَ اجْتَنَابِ واجب دیدم.» (وراوینی، ص ۲۹) این در حالی است که کاربرد فراوان واژه‌های کهن در کنار انباشته‌ای از کلمات عربی، فهم

جملات را در کتاب شیروانی با اختلال روبه‌رو میکند: «خصوصاً در صورتی که عشایر قبایل و اقوام و کبابر عشیره باشند، خزینه اهل دل که از جواهر زواهر حکمت مملو و دفینه بی‌قرینه اهل دانش و خرد که به درر غرر معرفت مشحون است. در هر زمان به ارباب احتیاج ایثار و به اصحاب اضطراب و اختلاج نثار باید» (شیروانی، ج ۱، ص ۱۰۶) استفاده فراوان از سجع از دیگر ویژگی‌های مشترک نثر دو کتاب است با این تفاوت که میزان بهره‌مندی از سجع در حقیقه‌الحقایق بیشتر از مرزبان‌نامه است به طوری که میتوان ادعا کرد تقریباً در تمامی جملات، شیروانی از سجع بهره برده‌است: «آنچه حیوانات حاضر بودند، جمله عرض کردند که ای پیر کامل و ای شیخ مکمل آنچه رأی صحیح و حکم صریح است بیان فرمایند و جواهر پند و لالی نصیحت را از ما دریغ ننمایند.» (همان، ج ۱، ص ۱۰۷) بطور کلی میتوان گفت شیروانی از شیوه نثر کتاب «مرزبان‌نامه» بسیار بهره‌برده‌است؛ اما نثر مرزبان‌نامه در مقایسه با نثر شیروانی بسیار طبیعی‌تر و پخته‌تر است و فهم مطالب بسیار آسانتر به نظر میرسد. البته دشواری نثر حقیقه‌الحقایق تا حد زیادی به موضوع آن برمیگردد و از طرفی تحت تأثیر نثرهای تقلیدی و ناشیانه دوره قاجار قرار دارد که ادامه انحطاط ادبی است که در عصر صفویه در ادب فارسی شکل گرفت.

تأثیرپذیری از رسائل اخوان‌الرضا در موضوع

«اخوان‌الرضا» جمعیتی سری و به احتمال قوی شیعی مذهب در قرن پنجم (ه.ق) بودند. آنها معتقد بودند شریعت به گناه و نادانی آلوده شده و تنها راه نجات آن فلسفه است و تلاش میکردند فلسفه یونانی را با شریعت اسلام تلفیق کنند. (نک، قمیر، ص ۲۵) به همین جهت دایره‌المعارفی در پنجاه‌ودو رساله در چهار بخش در موضوعات مختلف فلسفی به رشته تحریر درآوردند؛ در مقاله بیست‌ودوم از این رسائل که در بخش دوم (رسائل جسمانی_ طبیعی) گنجانده شده ضمن معرفی انواع گروه حیوانات، مجلس محاکمه‌ای را میان انسان و حیوان به تصویر میکشد. شیروانی طرح اولیه کتاب حقیقه‌الحقایق را بر اساس همین رساله پایه‌ریزی کرده‌است؛ شباهت کلی دو اثر از نظر موضوع این سؤال را مطرح میسازد که آیا میتوان حقیقه‌الحقایق را ترجمه‌ای آزاد از این مقاله بدانیم؟ پس از بررسی دقیق‌تر و مراجعه به ترجمه‌هایی که از این مقاله موجود است به دلایل ذیل، این نتیجه حاصل میشود که اثر شیروانی اثری مستقل از رسائل اخوان‌الرضا و شیروانی تنها در پایه‌ریزی اولیه اثر و انتخاب موضوع به آن توجه داشته‌است:

۱. کتاب شیروانی مقدمه‌ای مفصل در تاریخ انسان دارد که با پادشاهی کیومرث شروع میشود و با کشته شدن سیامک فرزند کیومرث به دست دیوان گمراه ادامه‌مییابد و با ازبین‌رفتن دیوان به دست کیومرث و سپاه او به پایان میرسد و همین موضوع مقدمه‌ای میشود برای شروع متن اصلی کتاب و نویسنده دلیل عداوت و دشمنی انسان با حیوانات را این‌گونه بیان میکند: «دیوان و اهرمنان به‌هیئت و شکل حیوانات ذوات‌الافکاروالانیاب و به‌صورت صاحب‌الخراطیم و الاذنان مشکل گشته بودند، لاجرم ذریات آدم نیز ریختن خون این نوع حیوانات را بر خود واجب و لازم ساخته» (شیروانی، ج ۱، ص ۹۹) درحالی‌که دلیل نوشتن مقاله بیست‌ودوم در «رسائل اخوان‌الرضا» متفاوت است و نویسنده علت به تصویر کشیدن این دادگاه را بیان ویژگی‌های ظاهری و پسندیدگی خصال حیوانات میداند و طرح بی‌رحمی‌هایی که انسان بر حیوان روا میدارد. (نک، مستوفی، ۱۳۲۴، مقدمه ترجمه رسائل اخوان‌الرضا، ص ۸)

۲. مجالس گفتگو بین نماینده‌های انسان و حیوان در اثر شیروانی در هفت مجلس به تفکیک بیان شده‌است. پس از پایان هر مجلس و بیان ادله‌هایی از جانب انسان و حیوان مجلس بعدی شروع میشود؛ در حالیکه در «رسائل

اخوان‌الصفاء» به این صورت نیست و آغاز و پایان هر مجلس مشخص نیست و یک نماینده حیوانی با چند نماینده انسانی به بحث می‌پردازد و برعکس.

۳. پاسخهایی که انسان یا حیوان به سؤالات مطرح شده میدهند در بسیاری از موارد در دو کتاب با هم تفاوت دارد که ناشی از تفاوت دیدگاهها و خط فکری دو نویسنده در زمینه‌های اجتماعی، فلسفی و عرفانی است.

۴. رساله بیست‌ودوم متنی تعلیمی است که مباحث اجتماعی و اخلاقی در آن مطرح شده‌است و رنگ‌وبویی از عرفان ندارد و دلیل برتری انسان بر حیوان را در پایان محاکمه وجود انسان کامل میدانند که در چند سطر به آن پرداخته‌است. در حالیکه شیروانی در اثر خود ضمن بیان نکات اخلاقی و اجتماعی مباحث عمیق عرفانی را مطرح میکند و در جای‌جای اثر، عرفان حضور پررنگ دارد. بویژه در مجلس پایانی که بیش از نیمی از کتاب را به خود اختصاص داده‌است.

تاثیرگذاری بر کتاب محاکمه انسان و حیوان اثر وقار شیرازی

احمد وقار اولین فرزند وصال شیرازی، شاعر معروف در سال (۱۲۳۲ه.ق) در شیراز به دنیا آمد و در سال (۱۲۹۸ه.ق) دیده از جهان فروبست. «موضوع کتاب، محاکمه و دادخواهی شورانگیز و پرهیجانی است که در یک طرف آن انسان قرار دارد و مدعی مالک رقاب حیوانات در ملک هستی میباشد؛ و در طرف دیگر اصنافی از حیوانات است که از دست اشرف مخلوقات به‌تنگ آمده‌اند» (فاضلی، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب محاکمه حیوان و انسان، ص ۳) این کتاب پس از حقیقه‌الحقایق نوشته شده‌است. از نظر سیر بیان مطالب، وقار تحت تأثیر «رسائل اخوان‌الصفاء» بوده و مطالب فرعی اندکی را به اصل داستان اضافه کرده‌است و از مباحث عرفانی که در کتاب «حقیقه‌الحقایق» به‌کرات به آن برمیخوریم خبری نیست. ولی از نظر سبک نگارش بسیار زیاد تحت تأثیر شیروانی بوده با این تفاوت که زبان اثر به سبب مطرح نشدن حقایق عرفانی ساده‌تر و قابل فهم‌تر است. در ادامه به موارد اشتراک بین سبک شیروانی و وقار اشاره میکنیم:

۱. استفاده از واژه‌های کهن: وقار در جای‌جای کتاب از واژه‌های کهن بهره برده‌است، اما بسامد استفاده از این واژه‌ها در مقایسه با حقیقه‌الحقایق بسیار کمتر است: «...از درندگان صحرا و پرندگان هوا و ایدای هوام و سوام در وحشت، روزگار همی بردند.» (وقار، ص ۱۲)

۲. زبان مسجع: وقار از سجع بسیار استفاده کرده‌است اما عبارتهای غیر مسجع نیز در اثر فراوان به چشم می‌خورد:

«محمد مصطفی که خاتم پیغامبران است و پیشوای رهبران و فرستاده خدا و نماینده راه هدی» (همان، ۲۲)

۳. کاربرد زبان عربی: کاربرد زبان عربی در این اثر بیشتر خود را در قالب آیات قرآن نشان میدهد. آیاتی که بیشتر بعنوان شاهد مثال آمده و آمیختگی کامل با نثر ندارد: «به ید بیضا او را امتیاز و اختصاص داد که - وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ- و هم عصای او را آلت اعجاز او فرمود، که - فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ-» (همان، ص ۲۰۱) و دعاهایی که از زبان نماینده حیوانات و انسانها بیان میشود به زبان فارسی است.

۴. بهره‌مندی از اشعار فارسی: وقار مانند شیروانی در قسمتهای مختلف متن به منظور فهم بیشتر مطالب از اشعار فارسی استفاده کرده‌است اما تنوع شعریایی که از شعر آنها بهره جسته بسیار کمتر و تعداد ابیات نیز محدودتر است. البته بیشتر اشعاری که وقار از آنها در متن استفاده کرده از خود اوست این در حالیست که شیروانی دو مرتبه اشعار خود را در متن کتاب حقیقه‌الحقایق استفاده کرده‌است.

بازتاب متون عربی

نویسنده در کتاب خود از واژه‌ها و جملات عربی بسیار زیاد بهره‌گرفته‌است و میتوان گفت بیش از یک‌سوم کتاب را جملات عربی تشکیل داده‌اند که این امر یکی از مهمترین عوامل دشواری زبان اثر است و فهم آن را با مشکل مواجه کرده‌است. بهره‌گیری از متون عربی گاه از چند ده صفحه پشت سر هم تجاوز میکند و گاه در حد چندین جمله پشت سر هم و گاه به صورت ذکر ابیات عربی جلوه میکند.

قرآن

باتوجه به موضوع کتاب، طبیعتاً حاج محمد علی شیروانی در سطح وسیعی از آیات قرآن به شکلهای مختلفی بهره‌جسته‌است. «به‌کارگیری آیات قرآن کریم در نثر پارسی به شیوه‌های گوناگون امکان‌پذیر است اما کاربرد صناعات ویژه‌ای چون ارسال‌المثل، ارسال‌المثلین اشاره، تلمیح، اقتباس، تمثیل و حل از بقیه مشخصتر است.» (حلی، ۱۳۶۹، ص ۳۰) در ادامه چگونگی بهره‌گیری از آیات قرآن در کتاب حقیقه‌الحقایق بررسی میشود.

اقتباس

یکی از روشهایی که نویسنده در به‌کارگیری آیات از آن بسیار بهره‌مند شده‌است، «اقتباس» است. «اقتباس در اصل لغت به معنی پرتو نور و فروغ گرفتن است، چنان که پاره‌ای از آتش را بگیرند و با آن آتش دیگر برافروزند، یا از شعله‌چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند و در ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام‌الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال» (همایی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۳) شیروانی در هر صفحه از کتاب بجز چند صفحه‌ای در مقدمه که شرح سفرهای خود را بیان کرده‌است، به طور میانگین از دو یا حتی بیشتر از دو آیه استفاده کرده‌است و این بهره‌گیری از آیات قرآن کریم برای متنی که حدود نهمصد صفحه است بسامد بسیار بالایی را نشان میدهد یعنی به‌کارگیری بیش از هزار آیه از قرآن کریم. نکته قابل بررسی در این بخش آن است که در بسیاری از موارد این آیات در خلال متن فارسی به موسیقی متن کمک کرده‌اند و اقتباس به اندازه‌ای هوشمندانه انجام گرفته که گاه خواننده متوجه نمیشود که در ضمن متن فارسی به عبارات عربی برخورده است. مثلاً «در حق او بقره لا فارض و لا بکر عوان صادق است و رنگ دلپذیر صفراء فاقع لونها تسر الناظرین در وصف او مطابق حضرت ابوالبشر به دستگیری او زراعت زمین و کشت‌کاری نموده و به شرف تقرب قربانی ان الله یا مرمکم ان تذبحوا بقره مشرف گردیده» (شیروانی، ج ۱، ص ۱۳۰) همچنین صفحات ۱۶۰، ۱۷۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۴، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۶۲، ۴۰۱، ۴۶۶ و

بهره‌گیری از آیات قرآن کریم به شیوه تلمیح در مقایسه با شیوه تضمین بسامد بسیار کمتری دارد اما نویسنده از این شیوه نیز غافل نبوده و از آن بهره‌مند شده‌است. مثلاً «به مشمت خاک کثیف به عین عنایت نظر نموده قطب دوران و مدارکن‌فکان فرمود» (همان، ج ۱، ص ۲) که اشاره به آیه «اتما امره اذا اراد شيئاً ان يقول له کن فیکون» (یس، ۸۲) یا «حکیمی که از لعاب مگس ضعیف شهد صافی پرداخته و نوشداروی عالمیان و لذه للشاربین آدمیان ساخته» (همان، ص ۳) که اشاره به آیه «بیضاء لذه للشاربین» (صافات، ۴۶) دارد همچنین در صفحات ۱۲، ۵۴، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۹، ۱۴۱، ۲۲۳، ۲۲۲، ۳۵۴، ۳۷۴ و میتوان تلمیح به آیات قرآن را مشاهده کرد.

اشعار عربی

محمدعلی شیروانی در اثر خود از اشعار عربی زیاد استفاده میکند؛ گاه به شکل شعرهای چند ده بیتی مثل قصیده منسوب به امیرالمؤمنین در ستایش خدا در اول اثر و یا به شکل تک‌بیتها در ضمن اثر برای رساندن بهتر پیام. «در ادبیات تقلید و الهام‌پذیری مهم نیست، عرضه و نحوه بیان مهم است.» (دود پا، ۱۳۸۲، ص ۲۰) و حاج محمدعلی بسیار خوب از پس ارائه مطالب دشوار عرفانی برآمده‌است و با بهره‌گیری از اشعار شعرای فارسی‌زبان و عرب‌زبان هرکجا احساس میکند فهم مطالب با دشواری روبه‌روست، مشکل را برای خواننده حل و فصل میکند. از جمله شعری که نویسنده از اشعار آنها در اثر خود استفاده کرده‌است میتوان به: ابن‌فارض، امیرالمؤمنین، البوصیری، محمدین ادریس پیشوای مذهب شافعی، ابوسعیدالاصمعی، لبید، امام سجاد (ع) و ... اشاره کرد. نویسنده گاه به نام شاعر اشاره کرده اما در اکثر موارد بدون اشاره به نام شاعر، شعر او را استفاده کرده‌است.

عبارت‌های عربی نویسنده

علاوه بر اقتباس آیات و احادیث و تضمین اشعار عربی، زبان عربی به شکل عبارت‌هایی از زبان خود نویسنده نیز در اثر جلوه‌گری میکند. این شکل استفاده از زبان عربی یا به شکل عبارت‌های کوتاه دعایی در اثر نمود پیدا میکند، یا به شکل جملات پی‌درپی که به چند صفحه نیز میرسد. در آغاز هریک از مجالس هفت‌گانه زمانی که حکیم انسانی شروع به سخن گفتن میکند سخن خود را با عبارت‌های عربی شروع میکند که این عبارت‌ها اغلب بسیار طولانی است و از خود نویسنده است مثلاً در آغاز مجلس چهارم حکیم روم قبل از شروع به دفاع از برتری انسان بر حیوان عبارات عربی را به زبان می‌آورد که یک صفحه کامل کتاب را به خود اختصاص میدهد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا فَيَكُولُ ...» (شیروانی، ج ۲، ص ۳۰۹) یا صفحات ۶۰، ۱۷۳، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۵۹، ۲۸۸، ۳۲۸، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰ و ...

سبک‌شناسی اثر

در معرفی سبک یک اثر بررسی نکات ادبی، زبانی و فکری آن لازم است. «بهترین و دقیقترین راه برای شناخت آثار ادبی و پی‌بردن به ارزشهای هنری بررسی سبک است. زیرا سبک خود شخص است، این جمله را نخستین‌بار بوفن طبیعیدان قرن هجدهم ادا کرد و امروز در تمام کتابهای سبک‌شناسی که در غرب و شرق نوشته میشود به نحوی به آن اشاره میشود.» (امینی‌نیا، ۱۴۰۳) بررسی سطح فکری کتاب «حقیقه‌الحقایق» نیازمند پژوهشی جداگانه است. در ادامه به معرفی نکات زبانی و ادبی سبک‌ساز در کتاب حقیقه‌الحقایق می‌پردازیم.

قلمرو زبانی

از جمله مباحث پرکاربرد در حوزه زبانی این اثر میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

استفاده فراوان از واژه‌های عربی

جایگاه زبان عربی در این اثر غیر قابل انکار است. استفاده فراوان از واژه‌های عربی از جمله مواردی است که سبک اثر را با دشواری مواجه کرده و آن را به نثر مصنوع و متکلفی که بسیاری از نویسندگان دوره قاجار آن را به کار برده‌اند نزدیک کرده‌است. این بهره‌مندی از واژه‌های عربی گاه به جایی میرسد که یافتن لغت فارسی در جمله مشکل میشود: «کلاغ را وداع فرموده پس به هزار افسوس و به حالت مأیوس مهموم و مغموم به جاهای خود

مراجعت کرده و بر جور و جفا و ایذای بنی آدم صبر و تحمل و به الطاف حق توکل و توسل میگردند.» (همان، ج ۱، ص ۱۱۲) یا «این همه اسرار توحید و حقایق ادواق و مواحید که بر صفحه روزگار و صحیفه لیل و نهار مانده است، نتیجه گفتگوی متجرعان سلسبیلی جام معرفت و...» (همان، ج ۱، ص ۴۰) همچنین ص ۲۲/س ۱۶، ۱۷/۳۶، ۳/۵۴، ۲/۶۸، ۵/۱۱۴، ۴/۱۴۰، ۲۳/۱۹۸، ۱۱/۲۳۸ و...

لغات کهن

کاربرد فراوان لغات کهن از موارد سبک‌ساز در کتاب حقیقه‌الحقایق به‌شمار می‌رود. بسامد آن در یک بند، گاه از چند ده مورد تجاوز می‌کند. از جمله می‌توان به واژه‌های ذیل اشاره کرد:

- * ص ۳/س ۱۷: سمات (داغها و نشانه‌ها)
- * ص ۴/س ۲۲: عمیم (تام و همگانی)
- * ص ۸۴/س ۲۱: عقور (ویژگی سگی که گاز میگیرد)
- * ص ۹۸/س ۱۹: شواحق (ج شاهقه، بلندها و بلندیها) س ۲۲: وقاء (هرچه بدان چیزی را نگاه دارند و پناه دهند)
- هوام (شیر بیشه) سوام (چرنده) س ۲۳: لیان (درخشش، فروزان، بافروغ) حسام (شمشیر)
- * ص ۱۳۹/س ۲۰: شردمه (گروه کمی از مردم) مطروح (رانده شده)
- * ص ۱۴۱/س ۲۳: اعتساف (از راه راست منحرف شدن)
- * ص ۱۷۶/س ۲۱: دواهی (کارهای سخت) س ۲۳: وقاد (تیزخاطر)
- همچنین صفحات: ۲/۱۷۷، ۵/۲۰۱، ۱۲/۲۰۵، ۹/۲۰۶، ۱۸/۲۱۱، ۲۳/۲۲۲، ۵/۲۳۵ و...

ترکیبات خودساخته

این ترکیبات بیشتر خود را در قالب صفت‌های مرکب در ترکیبات وصفی نشان می‌دهد و تکرار بالای آن سبب شده که آن را بعنوان ویژگی سبکی مؤلف در نظر بگیریم. مثل:

- ص ۲/س: آسمان شرف نصاب، ص ۳/س ۲۲: دماغ هماسمات، عقل قدسی صفات، ص ۵/س ۵: ابداع قوت جولان، ص ۱۲/س ۹: مفاد خیریت بنیاد، ص ۴۸/س ۶: عتبات عالیات عرش درجات، ص ۱۱: حضور ساطع النور، س ۱۳: انوار فیض آثار، ص ۷۹/س ۱۴: مقدم سعادت توأم، ص ۸۵/س ۱: زبان وحی ترجمان، مضامین حقیقت بنیان، س ۱۱: فرق فرقدان رنگ، همچنین صفحات: ۴/۸۶، ۱۲/۹۹، ۵/۱۰۰، ۱۳/۱۰۲، ۱۰۵، ۱۸/۱۰۷، ۱/۱۰۹، ۶/۱۳۵، ۹/۱۴۱، ۱۱/۱۷۷، ۱۴/۲۰۱، ۴/۲۲۳، ۸/۳۰۵، ۲۱/۳۲۵ و...

تلفظ خاص واژه

تلفظ برخی از واژه‌ها در کتاب شیروانی با تلفظ اصلی آن متفاوت است، مثل: ص ۲/س ۱: نماناد به جای نماند (جمله دعایی نیست)، ص ۲۱: رخم به جای رخم، ص ۱۷: نفع و ضرر به جای نفع و ضرر، ص ۱۰۸/س ۵: حقیقت به جای حقیقتاً، ص ۱۷۰/س ۷: اجازت به جای اجازه، ص ۲۰۴/س ۲۰: قوربغا به جای قورباغه، ص ۳۰۹/س ۱۳ و ص ۳۵۶/س ۱۱: اتفاق به جای اتفاقاً، ص ۳۵۲/س ۱۶: انس و جان به جای انس و جن

حذف شناسه

این قاعده نحوی بیشتر در پایان مقدمه کتاب، قسمتی که شیروانی شرح سفرهای خود را بازگو میکند به کار رفته است و بیشتر به شکل حذف شناسه اول شخص مفرد: «در عراق عرب قریب به بیست سال در

عبت‌عالیات عرش‌درجات مجاور و بر این عطیة عظمی شاکر بود و تحصیل رضای الهی و احکام حضرت رسالت‌پناهی در آن آستان عرش‌بنیاد مینمود» (همان، ج ۱، ص ۴۴) همچنین صفحات: ۴۹، ۵۱، ۸۶، ۵۶۹-۵۷۲

قلمرو ادبی

با توجه به اینکه نثر کتاب در دسته نثرهای مصنوع و متکلف دوره قاجار قرار می‌گیرد، در این اثر آرایه‌های ادبی چه در حوزه بیان و چه در حوزه بدیع زیاد به چشم می‌خورد. از جمله صناعات ادبی پرکاربرد در این کتاب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تشبیه

تشبیه پرکاربردترین آرایه ادبی (بیش از پانصد مورد) در این اثر است و به شکلهای مختلف به کار رفته است. اما تشبیه بلیغ اضافی یا همان «اضافه تشبیهی» بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده است و گاه در یک جمله چندین بار پشت سر هم تکرار شده است: «گل‌های گلزار امیدش از نوحات اشفاق ربانی در ریاض اجابت شکفت. یعنی تیر دعا به هدف قبول رسید و ناوک استدعا به نشانه وصول موصول گردید» (همان، ج ۱، ص ۸۳)؛ «طایر روح مطهرش با مرغان گلشن قدس همپرواز و عندلیب جان منورش با بلبلان چمن انس هم‌آواز گردید» (همان، ج ۱، ص ۸۵) این تشبیهات پی‌درپی در انواع دیگر تشبیه نیز خود را نشان می‌دهد: «سر بریده آن شهریار را مانند آفتاب سیار در برج غار جستند و آن گوهر آبدار را مانند یاقوت تابدار و لعل شاهوار به خون خود آغشته دیدند.» (همان، ج ۱، ص ۸۶) و در بسیاری از موارد انواع گوناگون تشبیه در کنار هم قرار می‌گیرند: «علی‌الخصوص کلمات پر نکات منتظمه بلغا از نظم درر غر ازهار و عبارات با استعارات منسق فصحا از عقد لالی گهر آبه‌است. هر سلک او در گردن غواص معانی قلاده درر ثمین و مانند گردنبند لعل و یاقوت، زرین است. بلی هر سخن آبدار و تابدار که باشد از آب زلال شیرین و از سحر حلال رنگینتر است» (همان، ج ۱، ص ۲۴۲) که تشبیه مفصل در کنار اضافه تشبیهی و تشبیه تفضیل قرار گرفته است. یا «بر رأی جهان‌آرا که مانند صبح نورافزای روز مفضلات و خورشید ظلمت‌زدای شب مشکلات است و به خواطر فیض‌مظاهر که مفتاح فتوح عالم‌گشای و مصباح صبح فرمانرواییست، احوال سرداران ولایت و سپهداران ایالت مانند خورشید بر شما روشن و ظاهر است.» (همان، ج ۱، ص ۲۰۹) که تشبیه بلیغ به همراه تشبیه مفصل و تشبیه درون‌واژه‌ای در جمله قرار گرفته است.

نکته‌ای که در این مقال باید به آن اشاره کرد، استفاده از تشبیهات درون‌واژه‌ایست. تشبیهاتی مثل: ص ۳/۱۵: هماسمات، ص ۶/۱: ذات فلک‌پایه، ص ۶۱/۶: شاهدان گل‌عذار، ص ۷۷/۱: صورت بدرطلعت، ص ۸۴/۳: درون هامون‌نمون، ص ۸۵/۱۰: فرق فرقدان‌رنگ، ص ۲۰۹/۵: فیض مظاهر، ص ۳۷۶/۹: طایر ملک‌پیکر و...

استعاره

از جمله آرایه‌های ادبی پرکاربرد در این اثر استعاره است که در انواع مختلف آن به کار رفته است؛ در کاربرد استعاره مصرحه سعی نویسنده بر دوری از ابتدال و استفاده از استعاره‌های نو بوده است. مثل: ص ۶۱/۱: مور محقر (نویسنده) ص ۸۶/۴: یوسف چاه فنا و مسافر راه بقا (کیومرث شاه) ص ۱۰۹/۸: ایاغ (شکایت پرندگان) ص ۴۶۷/۱۹: مرغ (مرید) خروس (قضا و قدر) بیضه (مرید) و... اما استعاره‌های مبتدل نیز کم‌وبیش در حقیقه‌الحقایق دیده می‌شود: ص ۸۴/۱۴: پادشاه کشور روز (خورشید) ص ۸۷/۴: خون وسیلاب خون (اشک) ص ۱۳۸/۲۰: عشرت‌سرای فانی (دنیا) و.. در هر صورت کاربرد این نوع استعاره زیاد است و در بسیاری از موارد

چندین مورد در کنار هم قرار میگیرد: «روز دیگر چون پادشاه خطا از جانب مشرق لشکر کشیده، دارودیار مغرب را تسخیر کرده، سپاه سلطان حبش از مرزوبوم روم منهزم گردید» (همان، ج ۲، ص ۳۷۴) استفاده از استعاره مکنیه نیز در این اثر قابل توجه است «مقناطیس از سر تعرض آهن برخاست و کهربا دست تصرف از دامن کاه کوتاه کرد» (همان، ج ۱، ص ۷۵) که استفاده از استعاره مکنیه به صورت اضافی و غیر اضافی جمله ادبی زیبایی را آفریده است. علاوه بر این استفاده از «اضافه استعاری» نیز زیاد به چشم میخورد: ص ۵۱/س ۴: طرح محبت ص ۷۱/س ۱۵: گریبان عصمت، دامن عفت ص ۷۶/س ۱۹: کبک سرفراز، دراج پرنازونیا، گنجشک پر حیرت، غزال خوش خصال، شیربده فعال و...

کنایه

در نثر حقیقه‌الحقایق کنایه‌هایی که بصورت فعل و عبارتهای فعلی ساخته شده‌اند بوفور به چشم میخورد. این عبارات در اثر شیروانی اغلب با سایر آرایه‌های ادبی تلفیق میشوند: «ارباب سعادت و عرفان پای حضور به دامن امن و امان کشیده و اصحاب شقاوت و طغیان سر به گریبان حرمان کشیده» (همان، ج ۱، ص ۱۷۲) که عبارتهای کنایی همراه با استعاره مکنیه در جمله قرار گرفته‌اند؛ «چهره عبودیت بر خاک مذلت نهاده» (همان، ج ۱، ص ۱۷۷) که استعاره مکنیه و تشبیه در عبارت کنایی به چشم میخورد؛ «عصا کش کوردلان چاه حیرانی گردی» (همان، ج ۲، ص ۴۵۸) در این عبارت علاوه بر ترکیب اضافه تشبیهی و کنایه، برداشت تازه‌ای از عبارت کنایی دیده میشود، کاربرد کوردل به جای کور؛ یا به کاربرد عبارت کنایی «سر به جیب» برای واژه «عقبات» در این عبارت «لکن فرازونشیب این طریق بسیار و عقبات سر به جیب این سبیل بی‌شمار» (همان، ج ۲، ص ۴۶۴) که تازه به نظر میرسد. همچنین: ص ۲/س ۶، ص ۵۴/س ۵، ص ۶۱/س ۱۲، ص ۷۰/س ۱۹، ص ۷۱/س ۱۲ و ۱۷ و...

مجاز

مجازهای غیر استعاری، یعنی مجاز با علاقه غیر مشابهت از آرایه‌های بیانی پر کاربرد در این اثر است: «به مشت خاک کثیف به عین عنایت نظر فرموده است» (همان، ج ۱، ص ۲) که خاک مجاز از انسان به علاقه ماکان است؛ «بندرگاه تجار بنی آدم و مرسن سفاین عالم گشته» (همان، ج ۱، ص ۲۲۲) که مرسن به معنی، محل بستن رسن ستور از قسمت بینی است و کاربرد آن برای کشتی نوعی مجاز را به وجود آورده است؛ «نغیر اصحاب قوایم و زفیر بهایم و فریاد طیور...» (همان، ج ۲، ص ۳۷۵) که زفیر به معنی، بازدم است و به قرینه سایر واژه‌ها در جمله مجاز از قیل و قال است. همچنین: ص ۲/س ۸، ص ۱۰۹/س ۱۴، ص ۱۴۰/س ۱۲ و ۱۹، ص ۲۰۱/س ۵، ص ۲۰۴/س ۲۱، ص ۳۰۹/س ۱۱ و...

سجع

حقیقه‌الحقایق اثری به نثر مسجع است. کاربرد فراوان سجع در اثر این صنعت ادبی را از معنای اصطلاحی آن یعنی تقارن واژگانی پایان جملات، فراتر برده است که به آن مقارنه یا مزدوج میگویند «مقارنه یا مزدوج، نوعی قرینه‌پردازی هم در ساحت واژه‌هاست و هم در گستره جمله‌ها؛ شیوه کاربرد این گونه سجعها را، واژگانی و جمله‌گانی نیز میتوان نام‌گذاری کرد.» (شیری، ۱۳۹۴) سیروس شمیسا در توضیح این نوع سجع میگوید: «و آن هماهنگ کردن دو یا چند جمله، به وسیله رعایت قافیه در فعل آخر دو جمله و تقابل انواع سجع در حشو [درون] هر جمله است.» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۴۶) این نوع کاربرد سجع در حقیقه‌الحقایق بسامد بالایی دارد: «مانند آفتاب عالم‌تاب و آسمان شرفنصاب چهره‌اش را منور و حله‌اش را مطهر ساخته» (شیروانی، ج ۱، ص ۳) یا «خداوندی که

بیلان گلستان امکان بر احدیتش هم‌آواز، بی‌مانندی که طوطیان شکرستان ایجاد در تسیحش هم‌آواز، علمی که علم قدیمش در جزو و کل محیط، کریمی که لطف عمیمش بر خار و گل بسیط» (همان، ج ۱، ص ۴) همچنین: صص ۵، ۱۱، ۲۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۶ و...

جناس

انواع جناس در این اثر حضور پررنگ دارد. البته هدف از کاربرد جناس بالا بردن سطح موسیقایی کلام است و جناس تام کاربرد چندانی ندارد. «ناظران مناظم سخنوری و عالمان معالم نکته‌پروری و مورخان بلاغت‌نشان و منشیان فصاحت‌بنیان چنین روایت کرده‌اند، در آن زمان که نه زمین بود و نه زمان و نه کون و مکان و نه بساط و بسیط...» (همان، ج ۱، ص ۶۲) همچنین: صص ۴، ۵۳، ۶۱، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۹۹، ۳۰۹...، ۳۲۵، ۳۵۳، ۴۵۹...، ۴۶۴ و...

اشتقاق و شبه‌اشتقاق نیز که از مباحث فرعی جناس است در این اثر بوفور یافت می‌شود: «... که خاطرها را خسته سازد و دلیل را از مدلول و ادعا را از مدعا به فرسنگها دور اندازد» (همان، ج ۱، ص ۲۳۸)

تضمین و تلمیح

در جای جای این اثر تضمین شعر شعرا و متون نویسندگان برای تفهیم بهتر مطلب دیده می‌شود؛ گاهی در ضمن بهره‌مندی از این آثار نام نویسنده یا شاعر را نقل کرده و در بسیاری از موارد به نام آنها اشاره‌ای نکرده‌است. نویسنده از شعر مولانا بیشترین بهره را برده و قبل از ذکر اشعار، نام او را تحت عنوان مولوی ذکر کرده‌است. هر چند در بعضی نسخ ذکر نام وجود ندارد اما در اکثر نسخه‌ها به نام مولانا اشاره شده‌است. پس از مولانا نظامی گنجه‌ای در این اثر حضور پررنگ دارد و اغلب اشعاری که از آثار نظامی انتخاب شده‌است، به صورت ابیات طولانی چند ده بیتی در اثر جای گرفته‌است. وی از کلیات سعدی، دیوان حافظ، اشعار شیخ محمد شبستری، کلیات امیرخسرو دهلوی، اشعار رضی‌الدین آریتمانی، دیوان شمس تبریزی، تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری، قصاید عربی ابن‌فارض، اشعار عربی البوصیری، اشعار شیخ‌بهایی، ابوسعید ابوالخیر، انوری، سنایی، هاتف اصفهانی، اسیری لاهیجی و ... نیز بهره‌مند شده‌است.

استفاده از شعر شعرا در این اثر به بیش از ۲۰۰ مورد می‌رسد که در بسیاری از موارد تعداد ابیات از ده بیت تجاوز میکند و نکته‌ای که کار را برای جست‌وجوی محققان بسیار دشوار میکند این است که در بسیاری از موارد، شعری که شیروانی در اثر ذکر کرده با اصل آن متفاوت است. احتمالاً نویسنده برای ذکر ابیات به حافظه رجوع می‌کرده و حاکی از هوش و ذکاوت بی‌اندازه‌ی حاج محمدعلی است. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

این دلبران مست چه مذهب گرفته‌اند کش خون ما حلالتر از شیر مادر است

(همان، ج ۲، ص ۳۵۵)

ای نازنین پسر تو چه مذهب گرفته‌ای کت خون ما حلالتر از شیر مادر است

(حافظ شیرازی، غزل ۳۹، بیت ۲)

چو سیمرغ زرین فرو برده پر سیه زاغ پران فرو برده سر

(شیروانی، ج ۲، ص ۳۷۳)

چو خورشید تابان برآورد پر سیه زاغ پران فرو برده سر

(فردوسی، ج ۲، بیت ۸۱۱)

علاوه بر این در بسیاری موارد در اشعار چند ده بیتی که ذکر میکند ابیاتی را اضافه میکند که منبع آن مشخص نیست.

حاج محمدعلی شیروانی در این اثر از متون نثر فارسی نیز بسیار بهره‌گرفته است از جمله میتوان به «جغرافیای بطلمیوس، نصیحت‌الملوک و احیاء‌علوم‌الدین غزالی، نفحات‌الانس جامی اشاره کرد.» (شیروانی، ج ۱، ص ۱۳) اما نکته قابل توجهی که در این قسمت قابل بررسی است آوردن نیمی از بخش سوم کتاب «لوامع‌ولوایح» جامی است. نویسندگان در مقدمه کتاب، در ذیل «در تعریف راح محبت و توصیف اقداح مودت» این بخش از کتاب جامی را قرار میدهد که در سه نسخه بررسی شده از قسمت اول بخش سوم یعنی «سبحانه من جمیل لیس لوجه ... فاش نماید آن پرچهره جمال» (جامی، صص ۱۲۹-۱۰۴) آمده و در نسخه دانشگاه تهران بخش سوم کتاب جامی به طور کامل آمده است. یعنی از ص ۱۰۴ تا ص ۱۸۹ کتاب «لوامع و لوایح». در این بخش نیز بسیاری از عباراتی که نویسنده در متن آورده است با عبارات کتاب «لوامع‌ولوایح» متفاوت است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که حاج محمدعلی هیچ اشاره‌ای به نام جامی نمی‌کند و تنها تفاوت در سبک و سیاق نوشته راهگشاست.

اغراق

در حقیقه‌الحقایق، اغراق در کنار سایر صنایع ادبی چون تشبیه و استعاره قرار گرفته است و این امر سبب شده تا باورپذیری آن افزایش یابد و خواننده در نگاه اول متوجه این صنعت ادبی نشود: «از خون روان مانند لعل بدخشان کوه و صحرا را رنگین کنند» (شیروانی، ج ۲، ص ۳۵۳) یا «باده‌ای که از تجرع آن پای بر فرق فرقدان می‌توان نهاد، معلوم شد» (همان، ج ۲، ص ۴۵۸) همچنین صص ۳۲۵، ۳۵۳، ۳۷۴، ۵۷۸ و...

لفونشر

این صنعت ادبی به دو نوع مرتب و مشوش تقسیم میشود. نویسنده در تمامی موارد لفو و نشر مرتب را به کار برده است که در بسیاری از موارد پایه آن تشبیه است: «طاق و رواق اوطاقهای ما چون قرص مهر و ماه زرین و سیمین» (همان، ج ۱، ص ۱۳۷) یا «سادات و علما و اشراف و فضلا و فحول حکما مانند مهر و ماه و انجم در سر مسندهای سنجاب و قاقم به کرسیهای زرین و صندلیهای سیمین آرام و قرار گرفتند» (همان، ج ۱، ص ۲۳۰) همچنین: ص ۲۳۳/۸، ص ۳۲۵/۱۲، ص ۳۴۱/۴، ص ۳۵۲/۱۴ و ۱۹، ص ۳۵۳/۱ و ۱۷، ص ۵۲۱/۶

متناقض‌نما

آرایه متناقض‌نما بیشتر در نیمه دوم کتاب آنجا که مباحث عرفانی مطرح میشود خود را نشان میدهد: «چندین مجلس است که در میان آتش سوزان آب زلال صافی خواسته و زهر آب ممت را آب حیات خوشگوار شافی گمان کرده» (همان، ج ۲، ص ۳۷۵) همچنین صص: ۲۳۶، ۴۵۸، ۵۲۱ و...

نتیجه‌گیری

حقیقه‌الحقایق یکی از متون عرفانی مربوط به دوره قاجار است که به قلم حاج محمدعلی شیروانی بین سالهای ۱۲۵۰-۱۲۵۲ (م.ق) به رشته تحریر درآمده است. هرچند در کتب مربوط به رجال دوره قاجار و پیش از آن مطالبی که در مورد زندگی و آثار او بیان شده بسیار اندک است اما در مقدمه کتاب نویسنده، اطلاعات قابل قبولی در مورد

زندگی خود ارائه می‌دهد. این اثر از زبان حیوانات در قالب داستان روایت شده‌است اما به دلایل بیان شده در متن، نمیتواند در جایگاه فابل و ادبیات تمثیلی قرار گیرد. نویسنده با ایجاد موسیقی لفظی از طریق به کار بردن سجع و انواع جناس و موسیقی معنوی با به‌کارگیری انواع صنایع بدیع معنوی نثری موزون و مسجع ایجاد کرده‌است. زبان عربی حضور پررنگی در اثر دارد و نویسنده با مهارت و استادی این زبان را در جهت افزایش موسیقی و غنای متن به‌کار برده‌است. زبان اثر به سبب به‌کارگیری واژه‌های کهن، دستور تاریخی و استفاده فراوان از لغات عربی زبانی دشوار است. از جهت روابط بینامتنی، شیروانی از آثار پیش از خود چه نثر و چه نظم بسیار استفاده کرده‌است. بررسی‌های بینامتنی نشان می‌دهد نویسنده برای به‌کارگرفتن ابیات و جملات شعرا و نویسندگان به حافظه رجوع کرده‌است و این کار سبب شده در متن او اختلاف ظبط‌های بسیاری با دیوان شاعران و آثار نویسندگان راه‌یابد. علاوه بر این شیروانی در انتخاب موضوع تحت تأثیر مستقیم رساله بیست‌ودوم «اخوان‌الصفاء» بوده و طبق بررسی‌های انجام گرفته پس از انتخاب موضوع راهی متفاوت را در پیش گرفته‌است؛ مطالب بسیار زیادی به آن افزوده و سیر بیان مطالب کاملاً متفاوت است. حدود پنجاه سال پس از شیروانی، وقار شیرازی کتابی با موضوع محاکمه انسان و حیوان نوشت که از نظر موضوع و سیر داستان تحت تأثیر «رسائل اخوان‌الصفاء» بوده و زبان اثر و سبک نگارش آن با کتاب حقیقه‌الحقایق مطابقت دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه شهرکرد استخراج شده است. آقای دکتر مسعود فروزنده راهنمایی این رساله را عهده‌دار بودند. آقای دکتر ابراهیم ایرج‌پور به عنوان مشاور و سرکار خانم نسیم پازاج دانشجوی دوره دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب سپاسگزاری خود را از کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد اعلام نمایند.

عدم تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

book

Holy Quran

- Esfandiar, Mahmoud Reza. (2019). The history of Sufism and Islamic mysticism from the beginning of the Safavid era to the end of the Qajar period, Tehran: Samit, p. 32
- Jami, Nuruddin Abdul Rahman. (without). Laws and Laws, Tehran: Manoché
- Hafez Shirazi, Khwaja Shamsuddin Mohammad. (2000). Divan, edited by Qasim Ghani and Mohammad Qazvini, Tehran: Jumhoori
- Habib Abadi, Mirza Mohammad Ali. (1983). Makarem al-Athar, first volume, Isfahan: Kamal, p. 26
- Halabi, Ali Asghar. (1990). The impact of Quran and Hadith on Persian literature, Tehran: Payam Noor University, p. 30
- Khaqani Shervani, Afzaluddin Badil bin Ali. (1937). Diwan, edited by Ali Abdul Rasouli, Tehran: Saadat Printing Company
- Draiti, Mustafa. (2015). Catalogers of Iranian Manuscripts (Fankha), Tehran: Organization of Records and National Library of the Islamic Republic of Iran, p. 1233
- Dud Pa, A.M. (2003). The influence of Arabic poetry on the evolution of Persian poetry, translated by Siros Shamisa, Tehran: Saade Masazer, p. 20
- Razmjo, Hossein. (1995). Literary types, Mashhad: Astan Quds, p. 68
- Rezaei, Arab Ali. (2003). Descriptive vocabulary of English literature. Persian, Tehran: Contemporary Culture, pp. 112-113
- Shamisa, Cyrus. (2002). A new look at Badee, second edition, Tehran: Ferdous, p. 46
- Shirazi, Masoom Ali Shah. (1940). Taraeq al-Haqayq, Tehran: Bina, p. 128
- Shirvani, Haj Mohammad Ali. (1981). Haqiq al-Haqayq, edited by Agha Mir Agassi Ogholiyef, Moscow: Eastern Literature Branch
- _____. (no date) Manuscript of the book Haqiqah al-Haqayq, University of Tehran, p. 1
- _____. (1872) Manuscript of Haqiq al-Haqayq book, Royal Palace Library, p. 509
- Attar Neishaburi, Fariduddin. (2005), Logic of Al-Tayr, introduction to correcting the annotations of Mohammad Reza Shafi'i Kodkani, Tehran: Sokhn, p. 103
- Ferdowsi, Abul Ghasem. (1995). Shahnameh, Tehran: Drop
- Qamir, Yohanna. (1984). Akhwan al-Safa or intellectuals of the Shia religion, Tehran: Philosophy, p. 25
- Mostofi, Abdullah. (1945). The Trial of Humans and Animals (translation of the twenty-second treatise of Akhwan al-Safa's treatises), Tehran: Mohammad Ali Elmi bookstore, p.8
- Namur Mutal, Bahman. (2015). An introduction to intertextuality, Tehran: Sokhn, p. 12
- Waqar, Ahmed. (1993). The trial of man and animal, revised and suspended by Mohammad Fazli, Mashhad: Ferdowsi University, p. 3

Homai, Jalaluddin. (1984). Rhetoric techniques and literary industries, Tehran: TOS, p. 383

Article

Amininia, Zohreh, Hasanzadeh Mirali, Abdullah. (2024). Introduction and Stylistics of the Manuscript of Hashem Zahabi Shirazi (1199), Scientific Journal of Stylistics and Analysis of Persian Poetry and Prose Texts (Former Bahar Adab), Issue 11, pp. 267-293

Shiri, Hero. (2015). Ornamental Prose in Iranian Literature, Researches of Literary Criticism and Styloogy, No. (21), pp. 105-136

فهرست منابع فارسی

کتاب

قرآن کریم

اسفندیار، محمودرضا. (۱۳۹۸). تاریخ تصوف و عرفان اسلامی از آغاز عصر صفوی تا اواخر دوره قاجار، تهران: سمت، ص ۳۲

جامی، نورالدین عبدالرحمن. (بی تا). لوامع و لوايح، تهران: منوچهری
حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۹). دیوان، به تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی، تهران: جمهوری^۱

حبيب آبادی، میرزا محمدعلی. (۱۳۶۲). مکارم الآثار، جلد اول، اصفهان: کمال، ص ۲۶
حلبی، علی اصغر. (۱۳۶۹). تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، تهران: دانشگاه پیام نور، ص ۳۰
خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی. (۱۳۱۶). دیوان، به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: شرکت چاپخانه سعادت

درايی، مصطفی. (۱۳۹۴). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۳۳

دود پا، ع.م. (۱۳۸۲). تاثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی، ترجمه سیروس شمیسا، تهران: صدای معاصر، ص ۲۰
رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). انواع ادبی، مشهد: آستان قدس، ص ۶۸

رضایی، عرب علی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی. فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، صص ۱۱۲-۱۱۳
شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). نگاهی تازه به بدیع، ویرایش دوم، تهران: فردوس، ص ۴۶

شیرازی، معصوم علی شاه. (۱۳۱۹). طرائق الحقایق، تهران: بی نا، ص ۱۲۸
شیروانی، حاج محمدعلی. (۱۹۸۱). حقیقه الحقایق، به تصحیح آقا میر آغاسی اوغلی قلی یف، مسکو: شعبه ادبیات

خاور

_____ (بی تا). نسخه خطی کتاب حقیقه الحقایق، دانشگاه تهران، ص ۱

_____ (۱۲۵۱). نسخه خطی کتاب حقیقه الحقایق، کتابخانه کاخ سلطنتی، ص ۵۰۹

عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۴). منطق الطیر، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ص ۱۰۳

^۱ به دلیل اینکه شماره صفحه یا صفحات قدیمی در ارجاعات درون‌متنی ذکر نشده است در فهرست منابع نیز ذکر نمی‌شود.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه، تهران: قطره
قمیر، یوحنا. (۱۳۶۳). اخوان‌الرضا یا روشنفکران شیعه مذهب، تهران: فلسفه، ص ۲۵
مستوفی، عبدالله. (۱۳۲۴). محاکمه انسان و حیوان (ترجمه رساله بیست و دوم از رسائل اخوان‌الرضا)، تهران:
کتابفروشی محمدعلی علمی، ص ۸
نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت، تهران: سخن، ص ۱۲
وقار، احمد. (۱۳۷۲). محاکمه انسان و حیوان، تصحیح و تعلیق محمد فاضلی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص ۳
همایی، جلال الدین. (۱۳۶۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: توس، ص ۳۸۳

مقاله

شیری، قهرمان. (۱۳۹۴). نثر تزینی در ادبیات ایران، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره (۲۱)، صص ۱۳۶-
۱۰۵

امینی نیا، زهره، حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۴۰۳). معرفی و سبک‌شناسی نسخه خطی هاشم ذهبی شیرازی
(م ۱۱۹۹ ه.ق)، نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)، شماره
یازدهم، صص ۲۶۷-۲۹۳

معرفی نویسندگان

نسیم پازاج: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

(Email: n.pazaj@gmail.com)
(ORCID: 0009-0000-2458-1207)

مسعود فروزنده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

(Email: foroozandeh@sku.ac.ir : نویسنده مسئول)
(ORCID: 000-0001-9423-100x)

ابراهیم ایرج‌پور: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: irajpour20@yahoo.com)
(ORCID: 0000-0001-6307-5112)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Nasim Pazaj: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

(Email: n.pazaj@gmail.com)
(ORCID: 0009-0000-2458-1207)

Masoud Foroozandeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

(Email: foroozandeh@sku.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 000-0001-9423-100x)

Ebrahim Irajpour: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: irajpour20@yahoo.com)
(ORCID: 0000-0001-6307-5112)